

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ح . بریالی
۱۷ اگست ۲۰۱۶

ماهیت کمک های امپریالیستی به افغانستان

حرف معروف است که می گوید: «هستی اجتماعی تعیین کننده شعور اجتماعیت» و یا هم باید چنین گفت که فرهنگ و روبنای سرمایه در افغانستان رابطه تنگاتنگی با هجوم مناسبات بورژوائی دارد که پیوسته یک دیگر را تکمیل کرده اند و روند قدرتمند یک درصدی های با همه چیز را در برابر غارت ۹۹ درصدی های افغانستان هدف می گیرد . اصلاً ظهور طبقه جدید سرمایه دار در افغانستان به حیث یکی از دولت های پیرامونی و نوپای ارتجاعی به کمک سرمایه جهانی خود به خود زمینه های شیوع و پخش فرهنگ سیستم حاکم را که با ایدیالوژی و افراطیت مذهبی و سنت های متحجر آلوده است آماده ساخته که ساختار اقتصادی بازار آزاد و بالتبع تولید مناسبات استثمارگرانه انسانی از آن در تبدیل انسان افغانستان برای پذیرش این مناسبات ... نقش تعیین کننده ای دارد.

غصب میلیونها جریب زمین، جایداد های کلان، قرارداد های میلیون دالری خیالی، خرید و فروش معادن و ذخایر زیر زمینی، معاملات میلیون دالری اسلحه، فروش مناطق و محلات در توطئه های استخباراتی به مخالفین مسلح، قاچاق سلاح، اعمار هزاران باب مکاتب خیالی، غارت صد ها میلیون دالر پول پروژه های انجام نیافته و روی کاغذ، قاچاق میلیاردی مواد مخدر، چرخیدن مؤسسات و دستگاه های بزرگ تحقیق مذهبی، ساز و کار صدها رسانه تصویری وصوتی و ده ها مورد دیگر ... سیمای اخلاقیات حاکمان فعلی افغانستان را در رده های متعدد نشان می دهد.

بلی این حاکمان را ناتو و کشورهای رهبری کننده و عضوش به نام صدور دیموکراسی بر مردم افغانستان تحمیل کرده اند و دوام عمر و حیات اینها وابسته است به دوام و استمرار پدیده ای به نام " کمک های جامعه جهانی به افغانستان " که هر سال با اجندا ها و ستراتیژی های جدید توسط سرمایه جهانی باز تمدید و تولید می شود.

در این راستا اگر به صورت مختصر به مفاد تصمیمات تجمع کشورهای سرمایه داری تحت رهبری امریکا در کنفرانس وارسا نظری انداخته شود ، آشکارا دیده می شود که نفس این نوع کمک های امپریالیستی مشخصاً در راستای تحکیم وابستگی عمیق افغانستان در تمام عرصه ها به امریکا و ناتو معنا پیدا می کنند . زیرا تجربه تاریخی کمک های امپریالیستی در جهان توسط سرمایه جهانی به کشور ها و حاکمیت های دست ساز و برآمده از اشغال نمایانگر عملی ساختن چنین سیاستی است که نتایجش در اینجا گوش به فرمانی دایمی افغانستان به حیث محتاج همیشگی به کمک های سرمایه جهانی است.

اولین اثرات شوم این نوع پشتیبانی‌ها از لحاظ اقتصادی، در تعمیم سیاست توسعه ندادن اقتصاد داخلی یعنی ساختمان زیربنا های اقتصادی می‌تواند به صورت برجسته لمس گردد، که کشور را به یک مصرف کننده وابسته تبدیل می‌نماید.

مصرف کننده وابسته از نظر اقتصادی در سیاست از هیچ گونه آزادی در تغییر و ساختار اقتصادی بدون اجازه قدرت های مبدأ ندارد. از جانب دیگر چگونگی کارکرد اقتصاد داخلی از زمان **گرزی** الی اکنون در نبود ظرفیت حاکمیت متعارف بورژوازی، درجه بالای فساد اداری افغانستان که در سطح جهانی بی رقیب است، ناتوانی و یک حکومت پوشالی که قدرت تحقق همان قوانین مطروحه خود را ندارد، وضعیت قهقرائی بیکاری و نبود زیرساخت ها و ظرفیت ها برای اشتغال و غیره زمینه های عینی و حقیقی بیشتر این وابستگی ها به غرب و ناتو را مهیا ساخته است. تجربه حاکمیت های **گرزی** و **غنی** نشان می‌دهد که این کمک های جهانی که طی کنفرانس های بین المللی به نام توکیو و برلین و بن و شیکاگو و بروکسل برای افغانستان سرازیر شده اولاً در خدمت تعمیق استیلای اقتصادی و سیاسی نظامی غرب بر افغانستان صورت گرفته است تا که محصولش را در همان ایجاد و ظهور طبقه چپاولگر بورژوازی افغان مشاهده کنند و نیز اثرات آن را می‌توان به وضوح در کمک به مافیای مواد مخدر و جنگ سالاران، تقویت و چاق ساختن شبکه های تروریستی، پخش بی رویه فساد اداری و حکومتی، خروج دوباره مقدار هنگفت این کمک ها توسط محافل داخلی و خارجی به اشکال گوناگون دو باره به خارج از افغانستان، خرید مایحتاج اقتصادی / نظامی افغانستان از همین کمک کننده های جهانی و غیره مشاهده کرد.

سهمی که از ناحیه این کمک ها به زحمتکشان کشور می‌رسد اساساً نمی‌تواند با هیچ اِحسانیه ای در زندگی اکثریت مطلق میلیونی جامعه قابل محاسبه و اثر باشد.

در همین راستا جالبترین و مضحک ترین وجه مسأله زمانبست که **اشرف غنی** بعد از پایان کنفرانس وارسا اعلام می‌کنند که ما به صورت کامیاب و دست پُر از آنجا برگشتیم.

در این شکی نیست که برای یک رژیم ملعبه و دست ساز ارتجاعی، کمک هائی با هدف جلوگیری از سقوط و فروپاشی، شاید بخشی از افتخارات و یا هم پروسه مطلوب برای دوام حیات سیاسی آن باشد. اما اگر دقیقاً به معنا و محتوای چنین رابطه های امپریالیستی دقت شود و اثرات سیاسی و اقتصادی آن بازگو شود به وضوح به عمق اسارتبار و ذلت آور آن، هم در امروز و نیز در آینده مناسبات سیاسی اجتماعی و اقتصادی افغانستان می‌توان پی بُرد.

یک عده ای در افغانستان مدعی اند که نبود این کمک ها زمینه ساز قوت گیری مجدد افراطیت مذهبی و تسهیل زمینه های سیاسی اجتماعی برای ظهور دوباره آنها می‌گردد. یا نبود چنین کمک ها افغانستان را دوباره به ایام هرج و مرج و جنگ در دهه ۱۹۹۰ رجعت می‌دهد. به این عده باید یاد آور شد که همان تراژیدی دهه نود میلادی نیز محصول سیاست های دوران جنگ سرد و محاسبات سیاسی نظامی خود آنها بود که این دسته های بدون تجربه مافیائی را به نام حاکمیت دولتی قرون وسطائی برگردۀ مردم سوار کردند و نیز بعد از ۱۱ سپتمبر با تجاوز نظامی به افغانستان و طرح ایجاد رژیم های تحت رهبری **گرزی** و **غنی** و یک معجون قومی و مذهبی را به حیث ستراتیژی و ممثل پروژه سرمایه داری غرب در افغانستان مشروعیت بخشیدند.

نشریه سویالیسم کارگری - شماره ۲۹